

یادگارهایی از شاهرخ مسکوب

- ۱ - مقدمه‌ای بر رستم و اسفندیار، تهران، امیرکبیر چاپ اول، ۱۳۴۲
- ۲ - سوگ سیاوش، تهران، خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۵۰
- ۳ - در کوی دوست، تهران، خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۵۷
- ۴ - ملیت و زبان (نقش دیوان و دین و عرفان در تاریخ نثر زبان فارسی)، انتشارات خاوران،
- ۵ - چاپ اول رم، انتشارات فردوسی، ۱۳۶۲، چاپ دوم انتشارات خاوران، پاریس، ۱۳۶۸،
- ۶ - چاپ سوم (با عنوان «هویت ایران و زبان فارسی») تهران، فرزانه روز، ۱۳۷۳
- ۷ - گفت و گو در باغ، تهران، انتشارات باغ آینه، ۱۳۷۰
- ۸ - چند گفتار در فرهنگ ایران، تهران، نشر کارنامه، ۱۳۷۱
- ۹ - درباره سیاست و فرهنگ، پاریس، انتشارات خاوران، چاپ اول ۱۳۷۳ - چاپ دوم کامل شده، (با عنوان «کارنامه ناتمام»)، تهران، انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۸
- ۱۰ - خواب و خاموشی، لندن، دفتر خاک، ۱۹۹۴
- ۱۱ - داستان ادبیات و سرگذشت اجتماع، تهران، فرزانه روز، ۱۳۷۳
- ۱۲ - تن پهلوان و روان خردمند (ویرایش مقاله‌های سمینار فردوسی در پاریس)، تهران، طرح نو، ۱۳۷۴
- ۱۳ - سفر در خواب، پاریس، انتشارات خاوران، ۱۳۷۷
- ۱۴ - روزها در راه، پاریس، انتشارات خاوران، ۱۳۷۹
- ۱۵ - کتاب مرتضی کیوان (به کوشش)، تهران، نشر کتاب نادر، ۱۳۸۲

ترجمه کتاب

- ۱۶ - جان اشتنبک، خوشه‌های خشم (با عبدالرحیم احمدی)، تهران، ۱۳۲۸
- ۱۷ - سوفوکلس، آنتیگن (همراه با «لذت تراژیک» از آندره یونار)، تهران، ۱۳۳۵
- ۱۸ - سوفوکلس، ادیب شهریار، تهران، ۱۳۴۰
- ۱۹ - اشیل، پرومته در زنجیر، تهران، ۱۳۴۲
- ۲۰ - سوفوکلس، ادیپوس در کلنوس، تهران، ۱۳۴۶
- ۲۱ - سوفوکلس، افسانه‌های تباہی (سه تراژدی نامبرده سوفوکلس در یک جلد)، تهران، ۱۳۵۲

زیر چاپ:

ارمغان مور

آماردهبانشی عزیز

بعد از سلام ص ۱ و ۳۶۰ این سه طبیعت را که اصلاح شده برایش
که فرستم (اولی یک پانزدهم و دومی هجدهم افزوده شده)
برای چاپ آن مالتی می بینم هر وقت بخواهید می توانم منتظر کنید
لطفاً این توضیح را هم در جایی اضافه کنید که این مقاله در هفتت وضع است
از آنجایی درباره پایه، ارز و دلارها اساسی در فرهنگ و ادب ایران
در آغاز سده نوزدهم تا شکر اراکند و ساهو سوب
۱۳۷۱ بان ۱۳۷۱



● مرکز فرهنگی آندره مالرو - پاریس (۲۸ آوریل ۲۰۰۰)

آقا محمد باقر عظیمی

کارت تبریک شماره ۱۰۰ مناسب عید در یافت گرام
و از لطف شما تشکر کنم. من هم به نوبه خود نوروز و
فرارسیدن سال نو را به شما تبریک می گویم و امیدوارم
که در سال مبارک و الهی سالهای در خدمت
و صحتی بسیار بارزگی که بعد از گرفته اید موفق باشید.

در دست عزیزان آقا اسحاق لیدر سر هم
مقاله خودتان را در شماره اخیر کلاس دیده اند. ازین
مفاد است که هم از شما تشکر شود و هم لطفاً شما از جانب
ایشان از آقا کردوانی تشکر کنید چون خودشان

نشانی آقا کردوانی را اندازند. مطالعات فرهنگی
با آرزوی موفقیت بیشتر و همکاری های آینده

ارادتمند
پاریس ۴ فروردین ۱۳۷۲

دوست عصباتی عزیزم آقا / جهاشی. عوشی عزیزم و کم طاقت
بعد از سلام. متأسفانه نمی توانم به سفارش شما عمل کنم چون اگر «اسلاً» بنویسم که
این کُتک با مقام را بر سر وقت برده اند تا مثل اینست که شما مطلبی برای
کجک تهیه کنید و در بنال دوستی بگردید که آنرا سر وقت آگانه موقبل از شما
کارش را باز داد! آخر عزیزم ما هم داریم البته نه در یک کُتک کجک بلکه
یک فصل نامه دیگر.

و اما درباره ترجمه آنه نوشته لذتی افزاینده فارسی به من می آید که شما بکنید
و نه اگر نگویید خواست کنید شما رضایت بدهید. از بس که مطلب در سر
سطحی بی مایه و سردستی نوشته شده. خواهش منم که اعضا را هم
مخفیانه از صفحه روزگار بپارزاف نوشته بگویند که کم بار نامش از
گردنگان «تجاشی نویسان» زیاد و عرفی نیست جز در ذکر آنهم امید است
به زودی در دیدار ما تازه شود. قریان خلاق کُتک شما شش مکتوب
بعد از نگارش: دوست عالی نزد همی در آید که البته به دست
دوستی قدیم کُتک خواهد بود.

یلد ۲۴ آوریل ۱۹۷۱

آقا زده باشی عزیز

بعد از سلام و آرزوی سلامت

در روزنامه پر محبت شما بدستم رسید. از حال و روز شما و جمله هر دو

از راه دوستان مشترک مفید دارم. می دانم که با وجود آسب و ناراحتی ریه در

این امر آن کرده و در بر چشم آفتاب بی حیا / تهران یک نفس می دود

تا کار محله را سه و سه مان به هدیه. برای آنکه در این کار بسیار از شما

موفق باشید، باید سلامت خودتان را حفظ کنید. تا خوشی شما برای

همه دوستان دور و نزدیک ناراحت کننده است.

از مشکلات محله هم بی خبر نیستم هم از نظر تهیه مطلب، هم از نظر

مالی و هم در دسرهای لطفی دلجو. برای شما عمر قوی و صبر ایوب و پیشکار

سزیت آرزوی کنم. و اما تا آنجا که از دست نا توان می آید: دستم از

که فرستادم فصل دوم کتابی است که فصل اول آن (از طبیعت)

را منتهی کرده اند. فصل سوم نیز در کار تمام کردن است و امیدوارم

به تدوین آن هم کمک از فصل تا آن تمام می شود برایتان بفرستم. بجا بهتر از

گلک و ولی درباره همکاری بیشتر. همین کتاب تا تمام تاکنون عجیب

وقتی از من گرفته و برسی کرده است. امیدوارم تا تکمیل دیگر تمام شود

ش (بیا آنوقت ^{مقدور} مطلب میباید شده است که باید دستی به سر و روی

کشید و به شما سپردی. از محبت و ارشاد شما مستفیدم و آرزوی کنم موفق

باشید چونکه موفقیت شما مال خودتان تنهاست.

با سلام به آقا و تقاضای و به امید دیدار ارادتمند شمع مشکوب

پاریس ۳ آبر ۱۳۷۲

د دست عزیزم آقا دهباشی

بعد از سلام نامه مورخ ۲۸ آبان شما دوسه روز پیش بدستم رسیده و خوشحال و
متاسفتم کرده خوشحال به نامه ابراز شما داشتم و متاسفانه بر احوال کار ملک و
صاحب ملک. این آفرغ سه بار تلفن کردم که با شما صحبت کنم هم می خواستم

احوالی پرسم و هم کار لازمی داشتم. از حالتان آقا بخادمی خبرم کرد (که خبر خوشایند نبود)

اما کار انجام نشده مانند سه بار پیغام گذاشتم در خواست کردم که چون من نترسم

بید آتان کنم شما زلمی بزنید (در سلیم آقا خادمی و بعد آقا و خانی در دفتر ملک) که خبر نشد

بار هجدهمین منظر م. حروف چینی یادداشت حکایت بلوچ ریه متکلم اثر در بر شده

طفاً اصلع زیر را انجام دهید: ^{یادداشت} منظر منظر از نقل شعر بلوچی و با عبارت زیر تمام

می شود: ^{یادداشت} با بررسی صحبت کردم با آقاب را می شناخت با فقط اسمی از آن شنیده بود. ۳

بعد ام فریفته یادداشت و سپس شاید با یکی دو سطر ماحصل نقل شعر بعنوان نمونه از ^{یادداشت} از

شعر ^{یادداشت} ترجمه شده و در کتاب

راجع به مطالب دیگر همین الان تلفنی با شما صحبت کردم و نیاز به تکرار نیست فقط تکرار

می کنم و بدین است که سلامت شما اصل است و ملک مزاج بر وجود شما مدال جنبه خود مان

باشید بار تان را کمی بسبب کنید و یک ملک دو ماهه کم حجم تر و نزدیکه تر و یک دهباشی سالم

بهر است از یک ملک ماهانه و یک دهباشی بیار. اینها بزرگتر و حلیم گفته است که در کتابها

پیشینان با آب طلا نویسد و در وی را گنج بگیرند بنا بر این شما هم نضایح آن قدر ایستاد را اثر

می توانید بکار بندید.

در مورد کاغذ و ترو و منبع دست من هر دو به همان حال است که در تهران بود دست

بترتبه (و ظاهر آن خود اهد کرد) و به سراغ کاغذ و ترو هم فرقه ام منتظر سلامت شما هستم با سلام

خدمت خانم آقا خادمی و در دستان ملک قربان شما شایسته است

لطفاً به آدرس جدید توجه کنید:
9 Rue Vavin
75006 Paris
France

دوست عزیزم آثار دهائی

بعد از سلام آرزوی کم که سلامت خودتان را تا اندازه ای باز یافته باشید هم

به کسب درمان و دکترانه و هم به مناسبت تغییر فصل.

دیروز نامه پر محبت شما و کتابها را آموزش فارسی دقت فرم رسید. از لطف شما

سپاسگزارم. نامه و یادداشتی از دو طریق (بیت و مسافر) برایتان فرستادم

که به رشتان رسیده است. کتابکی هم بیت کرده ام. امیدوارم یادداشت "حکایت

طبیح" به کار بیاید.

در باره مجله ها نظرتان در نامه قبلی در خواست کردم لایحه تکمیل کنید فرم استراک

برای آثار دکتر گامد فرستاده ام در اینجا با آثار غیر و صحیح کردم فصلی

از هر شماره که نسخ برایشان بفرستید تقدیم شما را ۲۰ فرانک می فرستد

و ۱۴ فرانک آنرا به مجله بر می گردانند. منتهی انهم با توجه به خرج بیت اینگونه هیچ کمترین

در در دوامی است. اگر بشماره دیگر داده اند لطفاً مرا مطلع کنید تا منی مغایه آثار هر دو

62 Ter. Rue des Entrepreneurs 75015 Paris

خواهش می کنم سلام برای آثار خدای برسانید و یاد آور کنید که از سروریت "هویت"

و مجرمه محالات (که هنوز عنوان کتابی برایش پیدا نکرده ام) بی خبرم. امیدوارم

سفر آینده ام به ایران خیلی دور نباشد و از همکاران و لطف شما بیشتر برخوردار شوم

تا به راه علی که می دانید کوتاه می کنم با سلام به دوستان همکار در ملک و

ارادتمند و محبت من

آرزوی سلامت و موفقیت شما.

پاریس ۱۵ آبان ۱۳۷۲

دوست عزیزم آقا درجهانی

بعد از سلام

متن اصلاح شده در مصاحبه را آماده کردم دیگر میانه تا مسافر بیدار شود و تراشش شوم.

بطوریکه می بینید تقریباً بیست صفحه از را حذف کرده ام. کل کتی در این مهم و پریشانی است که خواننده را سردرگم و گمباز کند. این حرفها را قبل و بعد از دیگر - یا باید بپذیرید و با توجه گفت یا نگفت. این اما ضایعات فحش بر این صورت که بیان با هیچ ترتیبی

و شکر در امواج شدنی نیست. اگر از ترس شما نبرد شاید صفحات بیشتر را سری بدم. به حال خواهش می کنم این چند برگ برنده را در زباله دان تا بیخ بچه ملک بندیزید و در آن کلمات آنها را بکنید.

۴۳۰

مصاحبه خیلی ناگهانی و بی برنامه پیشی در کار باشد با پاسخی شروع می شود که البته اینطور نخواهد ماند ولی شاید بزرگتر شدن نزول این مصاحبه تکمیلی آورده شود. چون در مصاحبه اصلی اسامی تجزیه نام شخصی آمده و اگر هم خاطره ذکر شده برابر می باشد و رسایم تجربه هر بوده است. شاید جای چند خاطره مفیدی (فارغ از تجزیه اگر که در آن بدست می آید) بخالی بود که با بنیاد شما و اطاعت من به انجام رسید.

گفت و گو را با لیدر و بدون هیچ نظم و ترتیبی بود. من آنرا کمی پس و پیش کردم تا خواننده دچار سردرگمی نگردد. در این ترتیب: دو خاطره از دوران مسئولیت در فارس، مختصر کلیات، خاطره از زندان، باز اظفار نظر کل در باره تاریخ و فرهنگ، ماجرا در کلام شعور و شعور و جاشی و پس از اینها داستان قمار قرمز خیابان. ملاقات با طبر از گذر ششم برابر آخر کار. در سؤال یکم ناچار در سه جا دست برده ام. امیدوارم خلاص سلیم شما بنوده باشد. لطفا در بیانی مصاحبه کتاب معرفی آقا در بنده عزیز فراموش نشود.

سلامت و موفقیت شمارا آرزوی منم ادا کند شایخ مکتوب

۱۳ دی ماه ۱۳۷۳

آثار دهباشی بد اخلاق عزیز

بعد از سلام

بقیه غلط جلد اول را برایت می فرستم. این همان صورتی بود که به
عتران نمونه کار فرستادی تا مقاله آخرت همان را هم بفرستم که به همین
ترتیب آماده چاپ شود.

باید یاد آور کنم که گذشته از صرف وقت

زیاد، بیمار در دست بران غلط گیر بسیار آزارم می دهد. این چند سطر را
هم در یک حالت معین، در چند قریب دارم و فریم زایتاده و دست نمود
بر کاغذ.

نمونه ام جو اجداد اول ارسال، مثل متن اصلی تمام نشده. بیت و چند صفحه
از سال ۸۸ را به جلد اول اضافه کرده ام و به جلد دوم تا گویان انظر در شرح می شود.

«هیچ کس هم گرسن نمیداردن»

شواهنش می کنم خودت کتب نگاه کن به کار این نمونه خوان تا کتب «تفاسیر» که
دو متن فرانسه تا نام این خط غزاله بر... میخورد ام نیامده و بجای هم برایش
در نظر گرفته شده. گفته بود به چند سال است به ایران نیامده ام و تنظیم هم خورده
مکنه ام این بزرگوارانی که در ایران هستند چه آنهایی که اینجا جور است.

بر حال من هم فرخو دم رازدم و بد اخلاقیم را کردم. امیدوارم

حالت بهتر شده باشد. آنروز صحبتها که خیلی بد بود لطفا سلام

بر اخذ دست طوبی تمام برسان و بعضی اضاخدا از جریان کار این

کتاب لغت هم را بی مغیره گذار. غلطی بر جیدم را بعد از فرستم

قرابتت شایع مرکب

۸۴/۳/۱



● خرداد ۷۹ - مریلند - کنفرانس مطالعات ایرانی از راست: دهباشی - محمدعلی همایون کاتوزیان -

حمید دباشی و شاهرخ مسکوب

دوست عزیز دهباشی نانماز
 امیدوارم وجودنازکت آزرده هوائی [عباد!]
 آخرین تله غلطی را می‌پرستم و به درگاه
 خداوند متعال دعا می‌کنم که بالاقوه آن صحیفه
 ملعونه مسکوبیه به طبع آراسته گردد و روزی
 در راه سالها در راه چاپخانه نماند. زیاده
 زحمت افزای نمی‌شود چون بزرگان گفته اند
 گوش اگر گوش تو وفا نه آرزای ما است -
 تو کار خود به خدا و اَلذَر و تحت بخواب.
 گوش باش و قربانت س.م.

۱۳۵۲